

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء
سال بیست و یکم، دوره جدید، شماره ۷، پیاپی ۸۸، بهار و تابستان ۱۳۹۰

بینش معرفت‌شناسانه در تاریخ‌نگاری مطهر بن طاهر مقدسی

شهلا بختیاری^۱ طاهره نظری ایلخانی آبادی^۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۲۴

تاریخ تصویب: ۹۲/۲/۱۴

چکیده

شناخت دیدگاه‌های مؤلفان متون کهن تاریخی ابزاری است برای دریافت رویکرد تاریخی آنان که می‌تواند نمایانگر ماهیت علم تاریخ و بینش مؤلف باشد. البدء والتاریخ تألیف مطهر بن طاهر مقدسی (۳۵۵هـ/۹۶۶م) یکی از مهم‌ترین متون تاریخ‌نگاری است که با رویکردی خاص به تاریخ تألیف شده است.

در کوشش برای دریافت تأثیر بینش معرفت‌شناسانه‌ی مقدسی بر تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری او، فرض بر این است که بینش معرفت‌شناسانه‌ی مؤلف درباره‌ی مبانی علم تاریخ سبب اتخاذ رویکرد انتقادی، تلاش برای دریافت حقیقت و جامع‌نگری در بررسی وقایع گذشته شده است.

در واقع، شیوه‌ی تاریخ‌نگاری مقدسی ترکیب به هم پیوسته‌ای از علوم و اخبار است که نشان‌دهنده‌ی جامع‌نگری در کار است. وی با پیوند سایر

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء. نشانی الکترونیک: dr_shba@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه الزهراء. نشانی الکترونیک: tahherehnazari@yahoo.com

علوم به تاریخ جنبه‌ی نوآورانه‌ی آن را وسعت و عمق بخشیده است. مؤلف مهم‌ترین رسالت تاریخ را آگاهی‌بخشی و رسیدن به حقیقت، و نیز تبیین تاریخی را در نگاه انتقادی به وقایع دانسته است. وی کوشیده است با نزدیک شدن به بی‌طرفی، استفاده از ابزار عقل در ارزیابی نقل‌ها و احتیاط عالمانه، حقیقت‌جویی را در رویکرد به تاریخ به کار بندد.

کلیدواژه‌ها: البدء و التاریخ، مقدسی، بینش معرفت‌شناختی، تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگاری.

مقدمه

معرفت‌شناسی^۱، به معنای «دانستن»، «دانش» و «گفتار»، جزئی از فلسفه‌ی علوم ارتباطی است که هدف از آن تشریح موضوع، تعیین حدود و شناسایی قوانین مربوط به گسترش دانش‌هاست. در این علم حقیقت علمی دانش‌ها بررسی می‌شود (بیرو، ۱۳۶۶: ۱۱۹ و ۱۲۰). معرفت‌شناسی در معنای عام شاخه‌ای از فلسفه، و در معنای خاص، شاخه‌ای از فلسفه‌ی علم تلقی می‌شود. فلسفه‌ی علم به بررسی نقادانه‌ی علوم، روش‌ها و نتایج آن‌ها اهتمام می‌ورزد. معرفت‌شناسی تاریخی بخشی مهم از فلسفه‌ی علم تاریخ است که به منزله‌ی معرفتی درجه‌ی دوم، در دانش حاصل شده به دست مورخان کندوکاو می‌کند. با توجه به این تعریف یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های بینش مقدسی در البدء و التاریخ بینش معرفت‌شناختی است.

در این مقاله فرض بر آن است که بینش معرفت‌شناسانه‌ی مقدسی درباره‌ی مبانی علم تاریخ سبب به کارگیری روش ترکیبی در بیان تاریخ، بهره‌گیری از روش برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، به کارگیری عقل و استفاده از روش مقایسه، استفاده از علوم کمکی دوران خویش در بررسی وقایع گذشته و روش علمی و انتقادی شده است.

محققان از زاویه‌های متعددی به *البدء و التاریخ* پرداخته و درباره‌ی آن نوشته‌اند. برخی به روش مؤلف پرداخته و گاه آن را به نقد کشیده‌اند (نک. مصطفی شاکر (۱۹۷۹م)، محمداحمد ترحینی (۱۹۹۶م)، فرانتس روزنتال (۱۳۸۵)، فؤاد سزگین (۱۴۱۲هـ ق) و عبدالله جبوری (۱۳۸۵هـ/۱۹۶۵م)). دسته‌ی دیگر پژوهش‌های زیست‌نامه‌ای و نسخه‌شناختی است که به منزله‌ی مقدمه برای چاپ *البدء و التاریخ* و ترجمه‌ی آن نوشته شده‌اند (نک. مقدمه‌ی شفیع کدکنی، کارل بروکلیمان (بی تا)، یوسف الیان سرکیس (۱۴۱۰)، عمررضا کحاله (۱۹۵۷) و خیرالدین زرکلی (۱۹۸۶)). برخی هم به برخی مباحث مطرح شده به دست مقدسی اشاره کرده‌اند (احسان یارشاطر، بازورث و دیگران (۱۳۸۱)، محمد تقی بهار (۱۳۸۰)، آلدومیه لی (۱۳۷۹)، جعفریان (۱۳۷۶)، کریستن سن (۱۳۶۳)، مهرداد بهار (۱۳۴۵)، جورج سارتون (۱۳۸۳)، شفیع کدکنی (۱۳۸۶)، کرلوفونسو نلینو (۱۳۷۷) و هیلنز (۱۳۸۳)). گروهی نیز شامل مقاله‌هایی است که به صورت مختصر به تاریخ‌نگاری وی پرداخته‌اند (نک. M morony (۱۹۸۹)، فائزه تولایی (مرداد ۱۳۸۷)، شهلا بختیاری (۱۳۸۵)، سید ابوالفضل رضوی (۱۳۸۵)، علی اصغر فقیهی (۱۳۷۵)، محمد کردعلی (۱۳۲۶) و مسعود رضوی (۱۳۷۴)).

با وجود ارزش محتوایی کم‌نظیر، کتاب از دیدگاه معرفت‌شناختی چندان مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است؛ ضمن اینکه برخی از محققان فوق نیز اهمیت این کتاب را متذکر شده‌اند و به جامع بودن بعد معرفتی آن اشاره کرده‌اند.

در مورد تاریخ دقیق، محل تولد و سکونت ابونصر مطهرین طاهر یکدستی وجود ندارد (سزگین، ۱۴۱۲: ۱۸۷؛ بروکلیمان، بی تا: ۶۳؛ جبوری، ۱۹۶۵: ۲). او در نیمه‌ی دوم قرن سوم به سال (۳۵۵هـ/۹۶۶م) کتاب خود را تألیف کرد، با این حال او به احتمال در قرن سوم در بستان زاده شده یا سکونت کرده است (مقدسی، ج ۲/ ۱۴۹؛ حاکم نیشابوری، ۳۷۵: ۲۳؛ ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۹۳؛ زرکلی، ۱۹۸۶: ۲۵۳؛ انصاری، ۱۳۶۲: ۲۷۵؛ سرکیس، ۱/ ۱۸۷). سال وفات مقدسی مشخص نیست. به احتمال، او چند سالی پس از نگارش این کتاب زنده بوده است.

مقدسی علاوه بر *البدء والتاریخ*^۱ صاحب چندین کتاب دیگر نیز بوده که متأسفانه، به جز این کتاب، بقیه از بین رفته‌اند، اما در آن گاهی به آن‌ها یا ارجاع می‌دهد یا اشاره می‌کند؛ کتابی در نجوم، *المعانی القرآن، الدیانه والامانه، المعادله، والسنن واروح* (مقدسی، بی تا: ۳/۹۶ و ۱/۷۱ و ۹۱ و ۲/۱۱۴ تا ۱۱۶). مقدسی از استادان بزرگ عصرش در علوم مختلف بهره برده است که اغلب از عالمان حدیث، و بر مذاهب مختلف بوده‌اند (همان، ۵/۱۹۹). او کتاب خود را به صاحب‌منصبی در دولت آل سامان تقدیم کرده، اما با ذکر عنوان «فلان» نام وی را نیاورده است (همان: ۱/۳).

درباره‌ی اعتقادات مذهبی وی اطلاعات روشنی در دست نیست. اشاره‌های او حاکی از احترام و نیز نقد بر تمامی مذاهب اسلامی، اعم از تشیع و تسنن است. برخی وی را معتزلی، و برخی سنی معتزلی غیرمتعصب دانسته‌اند (کردعلی، ۱۳۲۶: ۳۲۰؛ جعفریان، ۱۸۶). دیگری عقاید وی را با اعتقادات یهودیان عنانی مقایسه کرده‌اند و چون آن دسته از یهودیان را معتزله‌ی یهود می‌دانند، نتیجه گرفته‌اند که مقدسی نیز به اعتزال تمایل داشته است^۲ (Adang, 1996: 85). با این حال، مؤلف به معتزله نیز انتقادهایی دارد. در مواردی مقدسی در مسائل فرامذهبی نگریسته است یا اینکه به احتمال بتوان او را فردی شیعی دانست، اما نباید گرایش‌های ضدباطنی وی را از نظر دور داشت (مقدسی، ۴۵/۵). نگرش معادی مقدسی به جهان به باورهای شیعه نزدیک است. در دست‌گاه و منظومه‌ی فکری نویسنده‌ی تاریخ با مبانی معرفت دینی پیوند خورده است. این امر معرفتی برخاسته از دین به وی داده است که می‌توان آن را بینش معرفت‌شناختی نام نهاد. کوشش بر آن است که از میان نوشته‌ها تأثیر بینش مذکور بر تاریخ‌نگاری وی جست‌وجو شود.

۱. درباره‌ی انتساب *البدء والتاریخ* نام ابوزید بلخی نیز آمده است که می‌توان آن را اشتباه محققان یاد شده دانست (نک. ابن الوردی، ۱۹۳۹: ۲۴۹؛ حاجی خلیفه، ۱۴۱۹: ۲۲۵؛ مقدسی، ۱۳۷۷: ۵۶؛ کردعلی، ۱۳۲۶: ۳۲۰؛ سرکیس، ۲۴۲). امروزه این انتساب را محققان رد کرده‌اند (نک. قزوینی، ۱۳۶۰، ۲۷۲۰-۲۷۱۹/۱۰؛ مقدسی، مقدمه، ۷-۴ و ۵۶).

۲. معلوم نیست چگونه می‌توان گرایش‌های فکری یک مذهب در دینی را صرفاً با جنبه‌ی اعتقادی دین دیگر هم‌ردیف دانست که محقق فوق به این کار دست زده است.

چیستی تاریخ

یکی از مباحث فیلسوفان علم تاریخ توضیح چیستی تاریخ است. هر چند مقدسی کتابی درباره‌ی شناخت به نام *العلم و التعليم* دارد، در تعریف و چیستی تاریخ بحث مستقلی ارائه نکرده است (مقدسی، بی تا: ۱۹/۱). پس می‌توان دیدگاه وی را با مطالعه‌ی موردی اثرش شناخت. او معرفت را به دو نوع عقل و تجربه‌ی حسی تقسیم می‌کند (همان: ۱/ ۲۰-۲۳). او در فصل نخست اثرش به تعریف معرفت پرداخته است: «معرفت، ادراک ذات شیء و ثبات آن است، اگرچه حد و حقیقت در آن درک نشده باشد» و علم «احاطه بر ذات شیء است؛ یعنی عین آن و حد آن». وی علم را عام‌تر و رساتر دانسته است؛ زیرا هر معلومی را شناخته شده می‌داند، درحالی که هر شناخته شده‌ای را معلوم نمی‌داند (همان: ۱/ ۲۰). مقدسی در نتیجه‌ی کاوش‌های علمی خود علوم را به سه دسته تقسیم‌بندی می‌کند: معقول بدیهی، محسوس ضروری و علوم مبتنی بر استدلال. بر اساس این تعریف، می‌توان احتمال داد که از دیدگاه او تاریخ کاوشی از گونه‌ی سوم باشد (رضوی، ۱۳۸۵: ۲۱). معرفت و چیستی تاریخ ویژگی‌هایی دارد که عبارت‌اند از:

۱. کلی و قانونمند بودن با صبغه‌ی دینی: برداشت او از تاریخ مفهومی کلی است که آغاز و انسجام مسیری را (از مبدأ تا معاد) در برمی‌گیرد. معرفت مدنظر او با دین و آموزه‌های دینی ارتباط دارد، زیرا گزاره‌های دینی در آن مورد بحث قرار گرفته است و از طریق معرفت دینی می‌توان به درجه‌ی عالی یقین قدم گذاشت. به این دلیل که شالوده‌ی این کتاب تفکر نوین عقلانی برخاسته از آموخته‌های دینی و اخلاقی نویسنده است، مؤلف کوشیده است با دیدگاهی تحلیلی و تعلیلی به جست‌وجوی علل و عوامل حوادث پردازد و به حیات ارگانیک و قانونمند تمدن‌ها و جوامع بشری، به‌ویژه جامعه‌ی اسلامی توجه کند. این ویژگی را در فصل‌های مختلف کتاب می‌توان مشاهده کرد.

۲. رویکرد فلسفی، کلامی به تاریخ: بینش فلسفی مقدسی سبب رویکرد جدی او به مسائل اعتقادی و کلامی شده است. مهم‌ترین بخش کتاب *البدء و التاریخ*، که در آن دیدگاه فلسفی وی طرح شده است، فصل‌های یکم تا نهم است و با وجود قید شدن عبارت «در یادکرد تاریخ از روزگار آدم تا روزگار ما» پیش‌بینی‌های قیامت و حوادث مرتبط با آن نیز آمده است. به همین دلیل،

نزدیک به نیمی از کتاب به مباحث فلسفی و بحث‌های کلامی اختصاص یافته است. افزون بر آن، در لابلای روایت‌های تاریخی نیز مباحثی کلامی گنجانده شده است (همان: ۴۸/۱). مقدسی مباحث فلسفی را به اموری گسترش داد که به استدلال کلامی بیشتر نیاز داشتند و مباحث و اخبار تاریخی معجزا آورده شدند، به طوری که در بخش روایت‌ها و اخبار تاریخی رابطه‌ی بسیار ضعیفی میان فلسفه و تاریخ دیده می‌شود.

البدء و التاریخ مقدسی را می‌توان به دو بخش مجزا تقسیم کرد. او در بخش نخست به دفاع از اندیشه‌ی دینداری در مقابل آرای ملحد، مخالف و شکاک ابزاری معرفی می‌کند تا با تجهیز خواننده به صیانت از اعتقاد وی کمک کند. توحید و دوری جستن از کفر، تشکیک، تشبیه و تجسیم ابزاری می‌طلبند که با تشخیص وی، آن ابزار علم، آگاهی و مجهز بودن به بصیرت و دانشمندی است.

او در پایان فصل، نخست یادآور شده است که آن مقدمات را برای خواننده به صورت نصیحتی بیاورد تا مردم در کار دین خویش احتیاط کنند و از اهل تمویه، ملحدان، تلبیس اهل مخرقه، خطرهای مجان و وسوسه‌های خلعا پرهیزند (همان: ۱۶۱).

وی با جسارت به هر دو حوزه، یعنی تاریخ و فلسفه وارد شده بود (نک. بختیاری، ۱۳۸۵؛ مصطفی، ۱۹۷۹: ۴۰۷/۱ و ۴۰۸). عقل‌گرایی و توجه فلسفه و ژرف‌نگری در امور او را از یک توصیفگر تاریخ به تحلیلگری خبره و معتقد به گونه‌ای از فلسفه‌ی تاریخ اعتلا می‌بخشد. هر چند او در عرصه‌ی توصیف تاریخی و حتی اقلیمی نیز دقت و تسلطی ستایش‌انگیز و کم‌نظیر دارد.

۳. تعمیم‌پذیری تاریخ: تعمیم در تاریخ در اینجا نه به معنای یک قانون کلی که در فلسفه‌ی نظری تاریخ مد نظر است، بلکه به معنای شناخت تاریخ به طریق استقرا و گام به گام است (سروش، ۱۳۵۸: ۴۴). مقدسی مقارنت اعصار را جزء لوازم علم تاریخ می‌داند. این امر نشان‌دهنده‌ی روش استقرایی او در مطالعه‌ی تاریخ است. از دیدگاه مقدسی، مورخ از طریق مقارنت اعصار بین اسلاف و اخلاف رابطه برقرار می‌کند. به این سبب او شباهت‌ها و تفسیرهای موجود نزد اقوام و ملیت‌های مختلف هند، سند، چین، ایرانیان، مردم بابل و نیز گروه‌های مختلف صوفیان، اهل نجوم و... را نقل کرده است (مقدسی، بی تا: ۴۹/۴ و ۱۶-۱۲/۲).

۴. تجهیز مردمان به شناخت: وی در آغاز کتاب برخلاف سنت تمامی کتاب‌های پیشین، مقدمه و سخنی در مدح باری تعالی و صلوات بر پیامبر (ص) ندارد و به جای آن از انحراف عقاید مردم در شناخت راه درست سخن گفته است. مؤلف خطبه‌ی خویش را در ستایش ایزد تعالی و درود بر پیامبر آورده و در چندین صفحه بعد براهین عقلانی بر وجود خداوند اقامه کرده است (همان: ۱/ ۵-۲۰).

۵. رد غیرواقعیتهای افسانه‌ای و خرافی: مورخ برای رسیدن به مقصود به نقد روایت‌ها و نقل قول‌های مبتنی بر اسرائیلیات از علمای اهل کتاب یا کتب آسمانی پیشین، با الفاظی چون «فلیس الا الروایه کلام فاسد»، «فهذا ظاهر الفساد و صار کذا و کذا»، و «هذه الروایه فی الضعف والوهم، فان صحت الروایه فضرب الحد فیه باطل» می‌پردازد (همان: ۱/ ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۱ و ۱۵۲). دسته‌ای از اسرائیلیات که به علت مخالفت با کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) رد می‌شوند، با الفاظی چون «مع أنه فی کتاب الله» به کار می‌رود. از نمونه روایت‌های اسرائیلی روایت‌های مربوط به آفرینش، مسئله‌ی جبر، جسمیت قائل شدن برای باری تعالی، روزهای آفرینش و آفرینش آدم است. او این روایت‌ها را با قید احتیاط نقل کرده است و در موارد بسیاری با قید «اگر این روایات صحیح باشد، دلالت بر فلان مطلب می‌کند» صحت آن‌ها را مورد تردید قرار می‌دهد یا رد می‌کند (همان: ۱/ ۱۴۴، ۱۴۵ و ۱۷۳؛ ۲/ ۴۶، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۲، ۱۵۲ و ۱۱۶؛ ۴/ ۳۰، ۱۰۴ و ۸۵-۱۵۵؛ ۵/ ۱۱۳).

۶. ارزش‌گذاری و حرکت به سوی هدایت انسان‌ها: مقدسی پرداختن به امور مهم و مفید برای خواننده را موضوع تاریخ و وظیفه‌ی مورخ می‌داند. وی بیان می‌کند: «کتابی است در راه دفاع از حق و پیکار در طریق دین و پاسداری از قلمرو اسلام، که به اخلاق نیک فرا می‌خواند و از پستی و فرومایگی باز می‌دارد» (همان: ۳ و ۱۷). بنابراین گزینشی عمل کردن را جزو وظیفه‌های مورخ، و نقش مورخ را در هدایت یا گمراهی انسان‌ها اساسی می‌داند. وی خواندن برخی کتاب‌ها را «مایه فساد دل‌ها و از میان‌برنده دین و ویران‌کننده مروت و مایه دشمنی با پیامبران» می‌داند (همان: ۳/ ۱۰۳). با وجود این، او خوانندگان خود را به مطالعه‌ی آثار دیگری برای داشتن درکی بهتر از ماهیت طبیعی جهان مادی دعوت می‌کرد (Adang, 1996:86-87). وی با احتیاط تذکر جدی می‌دهد که این کتاب موجب گمراهی می‌شود (مقدسی، بی تا: ۳/ ۱۰۳).

۷. کلان‌نگری: ویژگی دیگر تاریخ‌نگاری مقدسی کلان‌نگری و گستردگی عرصه‌ی موضوعی و جغرافیایی دیدگاه اوست. او با رویکرد فلسفی و آگاهی به دانش منطق و اهمیت دادن به عقل، به شناخت و تحلیل تاریخ ملل دیگر نیز توجه داشته است. او تاریخ را در علم به رویدادهای سیاسی محدود ندانسته و به بررسی اقوام و آداب و رسوم ایشان نیز پرداخته است (همان: ۲۲/۴). می‌توان اثر او را به تاریخ جهانی نزدیک دانست. سفرهای مؤلف در نگارش کتابش نقش اصولی داشته است.

فایده و هدف تاریخ

پرسش از فایده‌مندی تاریخ و در پی آن هدف تاریخ، یکی از پرسش‌های اساسی فلسفه‌ی انتقادی تاریخ است. به نظر می‌رسد مقدسی در تاریخ با دیدی تحلیلی نگریسته و آن را همراه خرد و شناخت آورده است. بررسی شاخص‌های مورد نظر او از فایده‌های تاریخ نشانه‌ی بینش هستی‌شناسانه‌ی وی است.

۱. اصل قرار دادن حقیقت و کوشش برای دریافت آن: وی از افرادی که بدون هیچ‌گونه تلاشی شونده‌ها را قبول می‌کنند و به اندیشه‌ی آن پی نمی‌برند، آزرده‌خاطر بود. او رسیدن به مقصود و دست یافتن به بهترین مطلوب را جدا کردن مطالب مبهم از مطالب آشکار و مبرهن می‌داند و جدایی میان فریب و تحقیق و اصل قرار دادن راستگویی و صدق را در بررسی مسائل اساسی می‌شمرد (مقدسی، بی تا: ۱/ ۱۲۵-۱۲۷).

۲. حاکمیت الهی و اراده‌ی واحد بر جهان هستی: در اندیشه‌ی مقدسی خداوند متعال مثل، مانند و شریک ندارد (همان: ۱/ ۸۶-۹۳). در واقع، می‌توان از اندیشه‌ی او چنین نتیجه گرفت که قدرت الهی سرمدی، پایدار، جاودانه و وجودش ضروری است. «بخشایش قدرت بیکرانه قدرتی که می‌گوید باش، آنکه وجودش وابسته به هیچ امری نیست، اما همه چیز وابسته به اوست» (همان: ۸۰).

۳. تجربه‌آموزی از سرگذشت اهل اعتبار: مقدسی فایده‌ی علم تاریخ را با الهام گرفتن از قرآن در بررسی سرگذشت پیامبران و سلاطین تجربه‌آموزی از سرگذشت اهل اعتبار می‌داند. مقدسی نبوت

و صدق انبیا را ضروری و اعتقاد به این دو را سبب یقین دانسته است که فرد را از لغزش‌ها مصون می‌دارد (همان: ۱۱۳/۱).

۴. تصمیم‌گیری درست به کمک قوه‌ی عقل: مقدسی عقل را در یک نگاه کلی نیرویی الهی می‌خواند که میان حق و باطل، زشت و زیبا، نیک و بد فرق می‌گذارد و آن را مادر همه‌ی دانش‌ها می‌داند (همان: ۲۳/۱). او این عقل کل را «اصل و بدیهی» خوانده است و میان عقل و طبع فرق می‌گذارد، زیرا طبع را قدرت تشخیص زشتی از زیبایی همانند عقل نیست (همان: ۲۶/۱ و ۲۷). هر چند عقل کل حقیقتی ماورایی و متعالی است، پرتویی از آن در وجود یکایک آدمیان تابیده است. وی احترام مردم به قدر و منزلت عقلا را از دلایل وجود عقل می‌داند (همان: ۲۷/۱). با این حال اذعان دارد که عقل و خرد انسان هر چند در پیمودن راه تکامل او مؤثر و لازم است، کافی نیست و باید چیزی از شریعت با آن همراه شود (همان‌جا).

۵. تکاملی بودن مسیر: از نظر مقدسی، هدف تاریخ ساختن زندگی مطلوب در این دنیا و رسیدن به سعادت ابدی در جهانی دیگر است. بر این اساس، جهت حرکت تاریخ مسیری تکاملی برای رسیدن به اهداف یادشده است. او ضمن سخن از آغاز و انجام تاریخ، آغاز تاریخ را آفرینش جهان هستی و انسان و فرجام آن را معاد دانسته است (همان: ۱۳/۱ و ۱۴).

۶. مسئول و مختار دانستن انسان در تعیین سرنوشت: در نگرش مقدسی انسان در تعیین سرنوشت خویش مسئول و مختار است. به نظر می‌رسد سخن او محکم‌ترین جواب در ردّ شبهات ناشی از اعتقاد به قضا و قدر و سخن افراد و گروه‌هایی نظیر مشبهه و مجبره است که مقایسه‌ی افعال الهی با افعال انسانی را مطرح می‌کردند (همان: ۹۹/۱ - ۱۰۹). برخورد روان‌شناسانه‌ی مقدسی با مسائل کلامی به دریافت وی از عجز عقل و همچنین ناتوانی دلایل منطقی و نظرگاه‌های فلسفی در پی بردن به عمق چنین اسراری است. وی برای نزدیک کردن چنین موضوع‌هایی به فهم مخاطب، متناسب با روان‌شناسی و درک مردم عادی به تمثیل‌ها و بهره‌گیری از امثال حقیقت می‌پردازد. چنان‌که آوردن باورها و عقاید مردمان چین، هند، معطله، یهود، مسیحیان، زرتشتیان، ایرانیان و فرقه‌های شیعه، معتزله، مشبهه، مرجئه، اصحاب حدیث، صوفیان از این نمونه است (همان: ۱۰۷). همچنین مقدسی علاوه بر آنکه یک موضوع را از نظرگاه‌های مختلف بیان می‌کند، به تفکیک

مراتب و درجات آن از دیدگاه‌های مختلف می‌پردازد. او درباره‌ی قضا و قدی نیز همین رویه را در پیش می‌گیرد و آن را از نظر موضوع واحد می‌نمایاند، اما مراتبی برای آن قائل است و هر مرتبه را در جایگاه خود موشکافی می‌کند. او در این امر دو مسئله را مطرح می‌کند: قضای محتوم و قضای مشروط و با لحاظ کردن اراده‌ی انسانی.

از نظر مقدسی، قضای حتمی همان اراده‌ی قطعی خداوندی است که به قلم تقدیر وی رقم خورده است و باید انجام شود و انجام خواهد شد و کوشش آدمی در برابر آن بیهوده است. وی به هنگام سخن از برخی شخصیت‌های تاریخی به این مورد اشاره می‌کند. گریختن مغیره بن شعبه از شهر کوفه او را از ابتلا به طاعون نجات نداد (نک. همان: ۶/۳). حجاج بلایی بود که خداوند (عذاب خدایی) به دعای عمر بن خطاب یا نفرین علی (ع) بر سر مردم عراق فرو فرستاد. وی در پایان این دسته روایت‌ها و رویدادها، عبارت «والله اعلم» را به کار می‌برد (همان: ۱/۲۷). قضای محتوم در سخنان دیگر وی نیز دیده می‌شود؛ علی (ع) در روز ضربت خوردن به مسجد آمد، خفتگان را بیدار کرد و با پایش به این ملجم زد و گفت: «برخیز، می‌بینم که تو همان کسی باشی که به گمانم می‌رسد (همان: ۵/۲۳۱). عمر بن عبدالعزیز اشج (سرشکافته‌ی بنی‌امیه) کسی که قرار است مهدی باشد و جهان را از عدل و داد پر کند (همان: ۵/۵۲). مقدسی عذاب و پاداش را با هم به کار می‌برد. اعتقاد به عذاب خداوندی برای ستمکاران، گذرا بودن جهان مادی و مسیرمند بودن جهان در این حوزه جای می‌گیرند (همان: ۲/۵۸-۶۲). مقدسی به سنت و مشیت الهی توجه می‌کند و از عبارت‌های «والله اعلم، فلم یكونوا یجیزونه الا الله تعالی، هو ان کونه مکون، هو غیره غیر معدوم و لا محدث، هو الباریء جل جلاله، احسن التقدیر و اکمل التدبیر» استفاده می‌کند (همان: ۱/۵۶، ۶۳، ۶۵ و ۸۵).

قضای مشروط مربوط به مدیریت عام خداوند است و تنها قضای قطعی نیست، بلکه کوشش آدمی نیز در آن است. پس مقدسی متذکر می‌شود که اعتقاد به قضا و قدر نباید آدمی را از کوشش باز دارد و دستاویزی برای کاهلی و گناه شود (همان: ۱/۲۳-۲۵). او اراده و اختیار انسان را مهم می‌داند و این اعتقاد را رد می‌کند که خداوند از ابتدا کافر را کافر، و مؤمن را مؤمن آفریده است (همان: ۵/۱۴۶-۱۴۷). مقدسی در اهمیت قلم و کتابت چنین تفکری را مذموم می‌داند که

خداوند از روز ازل همه‌ی کارها را مقدر کرده است. او می‌گوید که معنی لوح محفوظ این نیست که نزد خداوند ظلم و عدل، امانت و خیانت، طاعت و معصیت، شکر و کفران یکسان باشد، بلکه معنی قلم این است که متناسب با هر کاری جزا و عقابی است و خداوند مقرر کرده است که هر کس نتیجه‌ی عمل خود را ببیند و از هر چیز خاصیت ذاتی آن آشکار خواهد شد (همان: ۱/ ۱۶۱-۱۶۵). اگر کجی، ناروایی، باطل و ناموزونی در عالم مشاهده می‌شود، نتیجه‌ی اعمال خلاف ما آدمیان است و این جهان از اصل درست ساخته شده است. قضای الهی بر اساس سلسله‌مصلحت‌های کلی است که از چشم ظاهرینان مخفی است؛ زیرا خداوند مصلحت آدمی را بهتر از خود او می‌داند و هیچ کاری را از سر لهُو و بیهودگی انجام نمی‌دهد. سرچنین مصلحتی امید، ایمنی و اطمینان است (همان: ۲-۱۵). مقدسی می‌گوید حتی کیفر الهی هم به سود آدمی است. بر اساس این، خداوند هر یک از مردمان را که به دین خدا لیبک گوید، مژده‌ی پاداش و هر که را که از آن سربیزی کند، وعده‌ی کیفر داده است و عقیده‌ی هر دین‌ورزی را بر این مبنا قرار داده است و کسانی را که این امر را منکر شده‌اند، معطله می‌داند (همان: ۴/ ۲-۹).

در بحث اراده و اختیار انسانی مقدسی ضمن رد هر گونه جبری با مطرح کردن مسئله‌ی قضا و قدر، انسان را مجبور و مقید قلمداد نمی‌کند. از نظر مقدسی، انتخاب و اختیار کردن انسان، یعنی به جنگ اجبار و ضرورت و تحمیل شرایط برخاستن، انسان چاره‌ای جز انتخاب و اختیار ندارد. وی در مبحث آفرینش می‌پرسد چرا حال معاند یا کافر و مجیب یا مؤمن یکسان است؟ وی در پاسخ خلق امور متضاد را نشانه‌ای برای شناخت حق و نیز اختیار انسان‌ها می‌داند که در نتیجه‌ی آن به پاداش یا عذاب دچار می‌شوند (همان: ۱/ ۷۷ و ۷۸). اشاره به لفظ «آزمایش» و لزوم نبوت دلیلی بر آن است که مقدسی انسان را موجوی مختار و نیازمند هدایت دانسته است که در شرایط مختلف ارزیابی و امتحان الهی می‌شوند و او را نخستین اندیشه‌ی صانع می‌داند (همان: ۲/ ۷۷ و ۸۳). وی اراده و اختیار انسان را در موفقیت‌ها و شکست‌ها مؤثر می‌داند و برای نمونه به این آیه اشاره می‌کند: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم». انتظار او از انسان مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری است.

مؤلف مهم‌ترین رسالت تاریخ را آگاهی‌بخشی به انسان می‌داند. تحلیل‌های اخلاقی مقدسی از وقایع و رویدادهای تاریخی در قالب عنوان‌هایی مانند «و هو الی مکارم الاخلاق داع و عن الدناءه ناه» در اشاره به کتاب خویش «و نصحا لمن احتاط لدینه» نمونه‌هایی از تأثیر رویکرد خردگرایانه‌ی مؤلف در تأکید بر اراده و اختیار انسانی در تبیین و تفهیم تاریخ و در نتیجه نگارش آن است (همان: ۱/ ۱۲۵-۱۲۶). مقدسی با این توصیف سعی داشته است مشیت الهی و اراده و اختیار انسانی را در تاریخ جمع، و این دو را با هم بررسی کند.

روش‌شناسی تاریخی مقدسی

یکی دیگر از وجوه مهم در نگرش مقدسی به تاریخ روشی است که ناشی از بینش اوست. وی در نگارش اطلاعات تاریخی به دو مرحله‌ی دستیابی به خبر تاریخی و تجزیه و تحلیل آن متکی است. روش او بر بهره‌گیری از شنیده‌ها، روایت‌شده‌ها و دیده‌ها متکی است. می‌توان ویژگی‌های روشی او را در موارد زیر برشمرد.

الف. کاربرد روش ترکیبی

در تاریخ ترکیبی مورخ می‌کوشد کل گذشته را با تمام جریان‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و سایر جنبه‌های آن احیا کند. بدین گونه، وی همه چیز را جزو تاریخ می‌داند. در واقع، شیوه‌ی تاریخ‌نگاری مقدسی ترکیب به‌هم‌پیوسته‌ای از علوم و اخبار است. سبک وی بدین صورت است که ابتدا آیات قرآن، و پس از آن، روایت‌ها را آورده است و هیچ‌گاه یک روایت را دو بار تکرار نمی‌کند. وی در نقل روایت‌های خویش نیز روش ترکیبی میان منابع را به کار می‌گیرد.

مقدسی در مقام یک صاحب‌نظر در نجوم، ادبیات، جغرافیا و نیز زبان‌شناسی، مفسر و مورخ توانسته است از گستره‌ی وسیعی از مراجع در تاریخ خود استفاده کند. قرآن و دیگر کتب آسمانی نیز کتاب‌هایی با موضوع‌های متفرقه در زمینه‌ی جغرافیا، مانند *طبایع الحیوان*، *طبایع الاحجار*، *طبایع النبات*، *البلدان و البنیان*، و *الخواص* از مراجع مورد استفاده‌ی وی بوده است که در بخش‌های

مختلف کتاب به تناسب موضوع تفاوت می کند. می توان منابع او را منابع تاریخی، ادبی، جغرافیایی، انساب و کتاب های مورخان و راویان اسلامی، اسرائیلیات و منابع منقول دانست. اخبار و روایت های مقدسی در ذکر حوادث از آثار مکتوب از چهار دسته اخذ شده است: منابع ایرانی شامل *سیرالعجم*، *خدا/ینامه*، *شاهنامه*، *مسعودی مروزی* و آثار ابن مقفع؛ منابع یونانی شامل نوشته های منسوب به افلو طرحس، آثار افلاطون، آثار ارسطو، تفسیر اسکندر ایوب رهاوی، المجسطی و...؛ منابع تاریخی شامل آثار ابن اسحاق، واقدی، ابن انباری، علی بن جهم، تاریخ خورزاد، ابن درید، ابن راوندی، ابن قتیبه، حسین بن منصور حلاج (کتاب *الاحاطه والفرقان*)، کتاب *المقالات* احمد بن طیب سرخسی عتبی، کتاب *المعارف* ابن عبدالله القسری، کتاب *المعمرین*، کتاب *الخرمیه*، *تاریخ ملوک یمن* و... او از تاریخ طبری یاد نکرده است، اما از تفسیر محمد بن جریر طبری نقل می کند. دسته ی آخر منابع عبرانی (اسرائیلیات) است (همان: ۶۵/۴ و ۱/۱۹۵). از این نظر، رهیافت اثر مقدسی در مورد منابع بسیار تازه و بدیع بوده است.

بهره گیری از انسجام و تبیین آن در پیوستگی متن یکی دیگر از شاخص های روش شناختی در تاریخ نگاری مقدسی است. مقدسی در تلاشی آگاهانه پیوستگی را از طریق ساختارمندی، ایجاد کانون روایت، نظم کلمات، جمله ها، بندها و توالی بین آنها در متن پیگیری می کند. او از چند روش برای نیل به این مهم بهره برده است: یکی اتخاذ روش موضوع نگاری رویدادهاست و عنصر زمان. مهم ترین گزاره هایی که مقدسی به کار می گیرد تا پیوستگی را در متن ایجاد کند، گزاره های شناختی یا معرفه و اسنادی است. گزاره های شناختی گزاره هایی است که مورخ برای معرفی بیشتر عامل، مکان جغرافیایی، مفاهیم و غیره آگاهی هایی درباره ی آنها عرضه می کند. وقتی مقدسی از یک قوم یا فرقه یاد می کند، به توصیف ویژگی و خاستگاه اجتماعی آنها اشاره می کند. مقدسی از طریق سیر و سیاحت ویژگی های اقلیم ها، شهرها و مناطق مختلف را مشاهده و معاینه می کرد. نقل قول وی گستره ی وسیعی از جهانگردان، تاریخ ملوک یمن، معتزله، اهل تفسیر، سلمان فارسی، استاد خویش ابویزید بسطامی، ابن سیرین، فیلسوفان یونانی، ثنویه و حرانیه، اهل کتاب، ملیت های مختلف هند، سند، چین، ایرانیان، مردم بابل، اهل تنجیم، شاعران و سایر

گروه‌ها را در برمی‌گیرد (همان: ۸۷/۱، ۱۴۵؛ ۱۳۴/۲، ۱۳۵، ۱۴۲ و ۱۵۲؛ ۴/۱۰، ۳۰، ۶۵ و ۸۵-۱۵۵).

گزاره‌ی دوم که در *البدء و التاریخ* پررنگ است، گزاره‌ی اسنادی است که مورخ به بهره‌گیری از متن یا روایت دیگران به تلویح یا آشکار اشاره دارد. به کارگیری این گزاره بیانگر دغدغه‌های روشی مورخ برای مستندسازی گزارش رویدادهاست. از این گزاره‌ها می‌توان به تعدد و تنوع منابع، نوآوری در تولیدهای علمی و روش گردآوری داده‌ها (مسموعات، مشاهدات، منقولات، محسوسات یا تجربه‌های شخصی) وی پی برد. وی معمولاً از عبارات‌های مبهم «قال، قالوا، یقولون، فقیل، فیقال، روی فی خبر و حدثنا» استفاده می‌کند (همان: ۲۲/۱، ۲۳ و ۱۰۷-۱۰۹). در مواردی که از شخص یا کتابی به صورت مستقیم نقل قول می‌کند، عنوان کتاب را ذکر می‌کند. پس از آن، سلسله روایان با کلمات و عبارات‌هایی چون «من طریق، عن، حدثنا، آخرینا، انبأنا، من حدیث، و قد ذکر» معرفی می‌شوند (همان: ۲۹-۳۵). گاهی نیز به بیان نظر گروهی با عبارات‌هایی چون «قال بعض المفسرین، فأهل الاخبار یرون فیه روایات، زعم بعض اهل البهود، کثیر منهم یقول، رایت فی کتاب بعض اهل تنجیم، یزعم هذا اهل العلم، قال القدماء و..» می‌پردازد (همان: ۲/ جاهای مختلف).

ب. نثر و شیوه‌ی نگارش

به نظر برخی محققان در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری نویسندگان مسلمان نثری مرسل داشتند و تنها منشیان و مترسلان به فصاحت کلمات و بلاغت بیان و آوردن عنوان‌هایی افزون‌تر توجه داشتند (بروکلمان، ۸۳/۱). برخی نیز شیوه‌ی نگارش در قرن چهارم را رو به انحطاط دانسته‌اند، اما اسلوب ساده و روان مقدسی در نگارش *البدء و التاریخ* را ستوده است و آن را نشان تحول در تاریخ‌نگاری ایران می‌دانند که تقریباً با او به فراموشی سپرده می‌شود (کردعلی، ۱۳۲۶: ۲۱۹).

مقدسی نیز در *البدء و التاریخ* از نثر مرسل استفاده کرده است. نگارش این کتاب بر اساس موضوع‌ها و نیز حوایات (سال‌نگاری) تنظیم شده است. استفاده از صنعت ایجاز در عین استفاده از

منابع روش مقدسی است که با زبانی ساده، رسا و جذاب مطالب را ذکر می‌کند. همین شیوه باعث شده است که وی بتواند در کوتاه‌ترین جمله‌ها بیشترین مطلب را بیان کند. در واقع، وی در عربی موجز و ساده می‌نویسد، اما در انتخاب لفظ بسیار دقیق است که گواه تسلط کامل او بر منابع این زبان است. با این حال، مقدسی در نگارش کتاب خود از صنعت سجع نیز استفاده می‌کند؛ برای نمونه «... و هو موصوفٌ بِالْقِدَمِ وَالْقَدْرَةِ وَالْعِلْمِ فُلُو كَانِ عَالَمِ نَفْسِهِ كَمَا لَا يَصُورُ الْمَصُورُ بِنَفْسِهِ، وَلَا يَكْتُبُ الْمَكْتُوبُ بِنَفْسِهِ، وَلَا يَشْتُمُ الْمَشْتُومُ بِنَفْسِهِ وَ...» (همان: ۹۷/۱ و ۹۸).

هر چند وی به موارد جزئی اشاره می‌کند، هیچ‌گاه با شرح و توصیف کلمات متن را به درازا نمی‌کشاند. همچنین نگارش یکدست متن در سراسر کتاب نشان از توانایی بالای نویسنده در استفاده از روش نقل به معنا، تلخیص یا شرح و تفصیل و نقادی روایت‌هاست. به عبارت روشن‌تر، روشن‌نویسی، مختصرنویسی، ساده‌نویسی، پرهیز از تکلف و سرانجام حسن تنظیم و ارائه از ویژگی‌های نگارش مقدسی است.

از آنجا که استفاده از تعبیرهای قرآنی و افکار فیلسوفان یونانی در نگارش وی دیده می‌شود، می‌توان گفت وی نتوانسته است تحت تأثیر روش‌های فنی قرار بگیرد، بلکه جنبه‌ی ادبی، داستانی کتاب که تجسم زنده‌ی وقایع و حوادث است، بدون آنکه قطع شود، خواننده را تا پایان با خود همراه می‌سازد، چنانچه ماجرای بابک خرم‌دین را با آنکه در عهد چند خلیفه اتفاق افتاده است، به صورت یکجا و متوالی، نه منقطع، آورده است.

در برخی موارد مانند داستان‌های خلقت و پیامبران جنبه‌ی داستانی و تمثیلی کتاب بر شیوه‌ی اصلی نگارش چیره شده است و نویسنده بسیار ماهرانه برای پیشبرد هدف خود از این جنبه بهره برده است (Morony, 1989: 352).

ج. بهره‌گیری از شعر

ذکر اشعار نیز از ویژگی‌های دیگر این کتاب است. به نظر می‌رسد مقدسی از شعر برای درک معانی و حوادث تاریخی بهره گرفته است. مؤلف در حدود ۹۴۷ بیت شعر در کتاب خود آورده

است. وی نام شاعرانی را که اشعارشان را در تألیف آورده است، ذکر می‌کند^۱ و اگر نام شاعری را نمی‌آورد، عنوان‌هایی چون «يقول بعض المتأخرين» و یا «قال الشاعر» به کار می‌برد. مقدسی بیشتر شعر شاعران عصر جاهلی، به ویژه اشعار حنفا را به کار برده است. بیشتر اشعار مورد استفاده‌ی او جنبه‌ی دینی دارد و درباره‌ی فرشتگان، بهشت و دوزخ و داستان پیامبران است (مقدسی، همان: ۱/۱۶۹).

د. استفاده از واژه‌ها و شعرهای فارسی

در کتاب *البدء و التاريخ* تعدادی کلمات فارسی در متن عربی دیده می‌شود؛ برای نمونه «شاهنشاه» (مقدسی، بی تا: ۱/۱۵۶)، «دهقان» (همان: ۱/۱۷۲)، «ایوان» (همان: ۱/۱۸۷)، «شید» (همان: ۱/۱۸) و چند بیت شعر. مقدسی دو بار از «مسعودی» نامی صاحب منظومه‌ای به فارسی در تاریخ پادشاهان گذشته‌ی ایران نام برده و دو سه بیت از منظومه‌ی او را نیز آورده است. او در ادامه‌ی این اشعار گوید: «این اشعار را آوردم، زیرا که می‌دیدم که فارسیان این اشعار را بزرگ می‌شمارند و آن را به مانند تاریخ خود می‌دانند» (همان: ۱/۱۳۸).

«سپری شد نشان خسروانا / جو کام خویش راندند در جهان» (همان: ۱/۱۷۳؛ بهار: ۱/۸۷).

نیز ابیات مشهور زیر:

«نخستین کیومرث آمد بشاهی گرفتش بکیتی درون بیش کاهی

چوسی سال بکیتی باذشا بود کی فرمانش بهر جایی روا بود» (همان: ۳/۱۳۸).

در روایت بیعت عثمان نیز یک عبارت فارسی از سلمان می‌آورد: «بیعت کردند نکردند کردند نکردند» (همان: ۵/۱۹۲). با بررسی نوشته‌های مقدسی می‌توان به آشنایی او به زبان فارسی دری پی برد. در فصل دوم برای نمونه می‌گوید به زبان ایرانیان خداوند را «خداى خداوند خدايگان» می‌خوانند (همان: ۱/۶۳ و ۱۹۳).

۱. برای نمونه، امیه ابن ابی الصلت، عدی بن زید، ابوزید الأنصاری، زید بن عمرو نقیل، صرمه بن انس بن قیس، حسان بن ثابت، طرفه بن العبد، حسین بن منصور حلاج، ذوالاصبع عدوانی، أعشى بن قیس، ابوتمام طائی، لیبید، مطرودبن کعب، فاکهی، مهلهل، سوید بن صامت، کعب بن مالک انصاری، عبدالله بن رواحه، ضرار بن خطاب بن مرداس، ابان بن عبدالحمید لاحقی.

۵. استفاده از روش برجسته‌سازی، حاشیه‌رانی

یکی دیگر از روش‌های مقدسی در گزینش و ارائه‌ی داده‌های تاریخی بهره‌گیری از اصل برجسته‌سازی در توصیف یا تبیین رویدادهایی است که به گونه‌ای در عرصه‌ی عقل قرار گرفته‌اند. او رویدادهای متعلق به عرصه‌ی گمان‌اندیشان و انکارگرایان را با اصل حاشیه‌رانی نشان داده است (حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۸۵). شیوه‌ی کار مقدسی نوع تفکر زمانه را نیز نشان می‌دهد که مطرح بودن مباحث معرفتی عقلی و تجربی برای دفاع از اعتقادات و تفکر در مقابل کسانی است که به شیوه‌ی سوفسطاییان، یعنی با پیش کشیدن گمان، و انکار معرفت عقلی و تجربه عمل می‌کردند. وی آنان را «سوفسطاییه» خوانده است (مقدسی، بی تا: ۱/ ۴۴).

مقدسی در روش برجسته‌سازی از تطبیق کمک گرفته است. این روش که شیوه‌ی متداول اوست، در تمامی قسمت‌های کتاب مشاهده می‌شود. او هر گاه موضوعی را بیان می‌کند، سعی می‌کند آرای اقوام و ملیت‌های مختلف را ذکر، و سپس درست‌ترین نتیجه‌ی ممکن را اتخاذ کند. بنابراین بی‌طرفی در اینجا به معنای قضاوت نکردن و دنبال حقیقت نگشتن مورخ نیست. مقدسی می‌کوشید با دلایل و برهان‌های مختلف داوری خود در مورد یک مسئله را به اثبات برساند. برای نمونه، درباره‌ی آغاز آفرینش وسعت دید او بسیار گسترده است، ابتدا نظرهای مسلمانان، ثنویه و حرائیه و اهل کتاب را می‌آورد و در پایان چنین می‌گوید:

آنچه عقل ایجاب می‌کند، این است که فعل اختیاری و تدبیر جز از زنده‌ی دانا برنمی‌آید و هر چیزی که به‌وجودآمده از چیز دیگر حادث شده است. چون که در هیچ کتابی نمی‌توان به طور یقین اطمینان یافت نخستین آفریده چیست، اما این واضح است که هر حادثی را ناگزیر غایتی است که بدان منتهی می‌شود (همان: ۱/ ۱۵۱-۱۵۵).

بدین ترتیب احتیاط عالمانه‌ی مقدسی در اثرش نمود یافته است.

مقدسی در ارزیابی نقل‌های تاریخی به عقل وفادار است. از غرایب العجایب‌هایی یاد می‌کند که قصه‌خوانان نقل کرده‌اند و از نظر عقلانی مردودند؛ ترهات، اباطیل و اسماری که همگی باطل‌اند و بهره‌ای از حق در آن‌ها نیست (همان: ۴/ ۹۶-۹۸). مقدسی سعی کرده است در بررسی

وقایع رویکردی انتقادی در ناکارآمدی ساختارها و از سویی وجه علی به معنای تعمق در علت‌ها را پی بگیرد.

بینش انتقادی نویسنده را می‌توان در چند دسته‌ی داستانی، دینی، سیاسی، معجزه و خوارق عادت تقسیم‌بندی کرد. وی اخباری چون اخبار سلطنت ضحاک را به نقد می‌کشد و گاه نیز به نقد نظر مراجع صدور اطلاعات می‌پردازد. وی این مسائل را به دور از عقل و فهم و تشخیص می‌داند و می‌گوید در این داستان نیز همانند داستان پیامبران ترهات و وسوسه‌های بسیار است (همان: ج ۳). او در پی نوعی بازشناسی ادیان و فرقه‌ها برمی‌آید و به نقد آرای معطله می‌پردازد و از آن‌ها سخت انتقاد می‌کند و این گروه را سست‌رأی‌ترین و فروترین مردمان می‌داند (همان: ۱۸/۱). اهمیت نقد‌گرایی او تا بدان جاست که تفصیل بیشتر و نقد درباره‌ی این فرقه را به کتاب دیگرش *الدیانه والامانه* ارجاع می‌دهد (همان: ۳-۹). نمونه‌ای دیگر از نقد‌گرایی او در زمینه‌ی دین یهود است. وی آنان را قومی پیمان‌شکن، کینه‌توز و حسود می‌خواند و به سبب تکذیب رسالت پیامبر اکرم (ص) که در کتاب آسمانی آن‌ها ذکر شده است، از آن‌ها انتقاد می‌دهد. او به خوانندگان می‌گوید که از شنیدن اینکه از پیامبر در تورات اسمی برده نشده است، دل‌سرد نشوند؛ زیرا مهم‌تر از همه این است که در قرآن به صورت آشکار بیان شده و این فراتر از هر شک و شبهه‌ای است.

مقدسی در حوزه‌ی سیاست و عاملان حکومتی تاریخ اسلام از عملکرد عثمان و تغییر روش وی انتقاد می‌کند و ثروت‌طلبی صحابه و یاران وی را مایه‌ی سقوط و تباهی او می‌داند. او یک‌به‌یک کارهای عثمان و برخی کارگزاران او را برمی‌شمارد که بدتر جانشین بد شد (همان: ۵/۱۹۴ و ۱۹۵). نویسنده در نقد حکام نیز به ویژگی‌های شخصی و باطنی آن‌ها اشاره و آن‌ها را نقد می‌کند؛ برای نمونه درباره‌ی ولید صفت رامش‌طلب و هواپرست را به کار می‌برد و با الفاظی چون خودخواه، باده‌گسار یا درباره‌ی منصور عباسی عنوان‌هایی چون بخیل‌ترین خلق خدا، خون‌ریز، پیمان‌شکن، خائن به عهد، کافر نعمت، و درباره‌ی یزید نیز عنوان «علیه العنه» را به کار می‌برد، اما درباره‌ی بیشتر خلفای بنی‌عباس توضیح مختصر چند خطی می‌دهد و عملکرد آن‌ها را نقد نمی‌کند. هر چند وی به برخی از قیام‌ها چون قیام امام حسین (ع)، قیام مختار و قیام ابن اشعث

پرداخته است، از عاملان حکومتی نقدی جدی نکرده است، بنابراین مقدسی نمی‌توانسته است این شیوه را در تمام کتاب پی بگیرد.

مقدسی هر جا که نتوانسته است امری را به خرد خویش بپذیرد، بر اساس یک قاعده، که همه چیز در حوزه قدرت الهی امکان پذیر است و به منزله‌ی معجزه‌ی انبیا کوشیده است آن را توجیه یا در صحت آن تردید کند (همان: ۵/۲). او معجزه را همانند خلق اموری دانسته است که معقول و مفهوم نیست و امکان فهم آن را از طریق عرف و تعلیم وجود ندارد (همان: ۴۶/۲-۵۵). او همچنین قرآن را بزرگ‌ترین معجزه و نظم آن را شاهد مهم این امر دانسته است: «نمی‌بینی چگونه خداوند کافران را به معارضه فرا خوانده [است]، آنجا که می‌گوید پس شما نیز ده سوره مانند آن را بیاورید» (همان: ۲۵/۵). او به معجزه‌هایی نظیر تصرف خداوند در بینایی دشمنان پیغمبر، معراج پیامبر و یاری‌رسانی فرشتگان در جنگ بدر نیز اشاره کرده و آن را به شرایط وابسته دانسته است (همان: ۴۶/۵-۵۵).

تاریخ و علوم یاریگر در تفکر مقدسی

برخی معتقدند معرفت‌شناسی تاریخ را در زمره‌ی علوم مصرفی قرار می‌دهد و آن را به علوم دیگر نیازمند می‌داند (فرهانی منفرد، ۱۳۸۲). این نگرش بهره‌گیری از سایر دانش‌ها را به منزله‌ی علوم کمکی در فهم و عمق بخشیدن به تاریخ مهم می‌داند. مقدسی از تعدادی از علوم یاریگر بهره گرفته است. از آن جمله موارد زیر است.

جغرافیا: مقدسی در کتاب خود به جغرافیا با نگاه کلی درنگریسته و یک فصل از کتاب را بدان اختصاص داده است (همان: ۴۹/۴). به عقیده‌ی برخی محققان، مقدسی در نگرش خود به جغرافیا در توصیف بلاد اسلام نفوذ مکتب کلاسیک جغرافیایی عرب را نمایانده است و جغرافیا را از چشم‌انداز ریاضی و نجوم مطرح می‌کند (نک. کراچکوفسکی، ۱۸۳). وی در فصل جغرافیا بار دیگر قسمتی از مطالب را به ارشاد و نصیحت اختصاص می‌دهد (همان: ۷۹/۴). او ضمن تقسیم زمین به هفت اقلیم معتقد است که در دهر نخستین، زمین بر پنج بخش بوده است. وی بخش برگزیده‌ی تمام زمین را اقلیم بابل می‌داند (همان: ۵۴).

به باور او، در اقلیم معتدل آب و هوا بر بسیاری از کیفیات و حالت‌های انسان، از جمله در رنگ و نژادهای گوناگون تأثیر دارد. وی اساس شهرها را سه اصل بنیادی آب، سبزه و هیزم می‌داند (همان: ۵۴-۵۷). مقدسی نگرش جغرافیایی خود را به معنای اختصاصی به یک فصل بسنده می‌کند، در فصل‌های دیگر تنها مشاهداتی از مردمانی که در شهرهای مختلف دیده را بیان می‌کند. دانش جغرافیا در اندیشه‌ی مقدسی صبغهی جهان‌شناسی اسلامی به خود می‌گیرد؛ برای نمونه درباره‌ی مردم هند عنوان نهصد ملت را به کار می‌گیرد. همین سیر را در ارتباط با سایر کشورها ادامه می‌دهد. وی در پایان قسمتی را نیز درباره‌ی سرنوشت و آینده‌ی شهرها بر اساس عقاید آخرالزمانی می‌آورد و برای نمونه می‌گوید، مدینه را گرسنگی، بصره را غرق، کوفه را ترک و یمن را ملخ ویران خواهد کرد (همان: ۹۸-۱۰۲). وی در شکل‌گیری جریان‌های تاریخی، جغرافیا را عاملی زیر ساختی لحاظ کرده است.

نجوم: مقدسی در جست‌وجوی ارتباط متقابل احکام شریعت اسلامی با مسائل نجومی فصل هفتم کتاب را قلم زده است. وی پدیده‌های کسوف، خسوف، زمین‌لرزه را نشانه‌ای از نشانه‌های حق می‌داند (مقدسی: ۲/۲۸-۳۲).

در اندیشه‌ی مؤلف نجوم با جغرافیای ریاضی پیوند خورده است و از این منظر کیهان‌شناسی به مدد مورخ می‌آید. وی برج‌ها را به دوازده برج تقسیم و هر یک را به بیست‌وهشت جزء دسته‌بندی می‌کند و آن‌ها را در سه دسته برج آبی، برج خاکی و برج هوایی قرار می‌دهد و نسبت دادن افعال اختیاری به برج‌ها و ستارگان را از بزرگ‌ترین خطاها و لغزش‌ها می‌خواند. او با این کار به گونه‌ای به تقویم و سال‌شماری نیز گذری می‌زند (همان: ۲/۱۲-۱۶). هر چند مقدسی از نجوم در شناخت پروردگار بهره می‌گیرد، به تأثیر شرایط کیهانی در سرنوشت انسان اعتقادی ندارد. ترتیب وقایعی که او آورده است، بر اساس سال‌شماری بوده و محاسبه‌ی زمانی را در این کار دخالت داده است. او به این ترتیب علم نجوم را به کمک تاریخ می‌آورد، اما اختیار را از انسان سلب نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

با بررسی کتاب *البدء و التاریخ* اجتماع می‌توان چندین بینش را در نگارش یک اثر یافت. مقدسی در اثر تاریخی خود اطلاعاتی جامع می‌دهد که در حکم یک دایره‌المعارف است. اهمیت کار وی هنگامی روشن می‌شود که او نیز مانند دیگر مورخان وقایع تاریخی را گزینش کرده و با ارتباط دادن علوم پایه و تأثیرگذار در تاریخ به بینشی جامع دست یافته است.

تفکر وی را در دو حوزه بینش و روش تاریخی می‌توان بررسی کرد. در عرصه بینش آشنایی مورخ با معارفی چون فلسفه و نجوم او را از کلان‌نگری ویژه‌ای بهره‌مند کرده است. وی در مبحث معرفت‌شناسانه نگاهی علمی به دانش‌ها از جمله دانش تاریخ دارد، بنابراین می‌توان گفت وی تاریخ را علمی از نوع بحث و استنباط دانسته است. ضمن اینکه مقدسی سعی داشته است مسئول و مختار بودن انسان نیز از نظر دور ندارد. او مشیت الهی و اراده و اختیار انسانی را در تاریخ جمع، و این دو را به موازات هم بررسی می‌کند. در واقع، او با دو رویکرد قضای محتوم و قضای مشروط اراده‌ی خداوند را در طول اراده‌ی انسان معرفی می‌کند و تضادی در این امر نمی‌داند.

رویکرد او به علمی نظیر جغرافیا، نجوم، فلسفه، تصوف به بهره‌گیری او از این علوم در شناخت تاریخ انجامیده است. امری که محققان امروزی سعی دارند با پیوند سایر علوم به تاریخ به رهیافتی تازه برسند و جنبه‌ی نوآوری آن را وسعت و عمق بخشند. بینش معرفت‌شناسانه مقدسی درباره‌ی اصول و مبانی علم تاریخ، سبب اتخاذ روش علمی و انتقادی شده است. به سخن دیگر، او متأثر از بینش یادشده در روش تاریخ‌نگاری خود به دو رویکرد علمی و معلولی و نگاه خردگرایانه نگاه منتقدانه در پاره‌ای موارد با شدت و ضعف به تاریخ پایبند بوده است. در سراسر تاریخ مقدسی کوشیده است فایده‌ی کلام خود را به مخاطب القا کند، نه اینکه در پی صرف گزارش باشد.

برای رسیدن به این هدف مقدسی کوشیده است پس از هر گزارشی علل و عوامل را بیابد، اما پس از اینکه دلایل خود را از وقوع یک واقعه ذکر کرد، با رویکردی منتقدانه به تحلیل آن پرداخته است. مقدسی در تلاش بوده است حقیقت‌جویی را در رویکرد خود به تاریخ به کار بندد. ضمن اینکه وی روش محتاطانه‌ای در برخورد با اخبار و روایت‌ها دارد، اما آنچه در کل کتاب در

نقدهای وی دیده می‌شود، استفاده از عناصر کتاب آسمانی است و در کنار این دو از عقل نیز همچون معیار استفاده کرده است.

وی هر چند از کتب آسمانی پیشین در نقل روایت‌ها استفاده کرده است، به علت مصونیت قرآن از تحریف، آن را کامل‌ترین کتاب آسمانی و آن را ملاک و حسن ختام دانسته است. بنابراین، همان‌طور که خود نیز تصریح کرده، کتابش را به منظور دفاع از اسلام نوشته است. آنچنان‌که فهمیده شد، کتاب *البدء و التاريخ* با داشتن بیست و دو فصل و شش جلد مبحث وسیعی با اطلاعات مختلف در زمینه‌ی تاریخ، فلسفه، جغرافیا، ادبیات، انساب، نجوم و... را دربرگرفته است. در واقع، استفاده از روش ترکیبی علوم مختلف و نیز بهره‌گیری از شیوه‌ای مقایسه‌ای و استفاده از عنصر عقل روش پایدار نوشته‌ی مقدسی است. این حجم وسیع با اشراف مؤلف به زبان‌های فارسی دری، عربی و عبری، وی را در دستیابی به دیدگاه و رهیافتی تازه مدد رسانده است. وی با بهره‌گیری از نثری مرسل، در عین استفاده از آیات قرآنی و شعر، سعی داشته است کتابش را به نثری روان و ساده بنویسد.

منابع

- ابن ندیم (۱۳۹۳). *الفهرست*. رضا تجدد. تهران.
- ابوالمعالی، محمد بن الحسین العلوی (۱۳۷۰). *بیان الادیان*. به کوشش هاشم رضی. تهران: فراهانی.
- بختیاری، شهلا (زمستان ۱۳۸۵). «فلسفه و تاریخ در البدء و التاريخ مقدسی». *قیسات*. ش ۴۲.
- بروکلمان، کارل (بی تا). *تاریخ الادب العربی*. ترجمه به عربی: عبدالحلیم النجار. قم: دارالکتاب الاسلامی.
- بیرو، آلن (۱۳۶۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه‌ی باقر ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان.
- ثعالبی نیشابوری، عبدالملک بن محمد (۱۳۶۸). *تاریخ ثعالبی مشهور به غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم*. تهران: نقره.

جبوری، عبدالله (۱۹۶۵م). **فهارس کتاب البدء و التاريخ لمطهر بن طاهر مقدسی**. بغداد: مطبعه المعارف.

جعفریان، رسول (۱۳۷۶). **منابع تاریخ اسلام**. قم: انصاریان.

جوزجانی، قاضی منهاج سراج (۱۳۶۳). **طبقات ناصری**. تحقیق عبدالحی حبیبی. تهران: دنیای کتاب.

حسن زاده، اسماعیل (پاییز ۱۳۸۸). «**بینش و روش در تاریخ نگاری عتبی**». **تاریخ نگری و تاریخ نگاری (فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء)**. دوره ی جدید، ش ۳.

رضوی، سیدابوالفضل (زمستان ۱۳۸۵). «**بینش و نگرش در تاریخ نگاری اسلامی مطالعه موردی تاریخ نگاری مقدسی**». **قیسات**. ش ۴۲.

روزنتال، فرانتس (۱۳۸۵). **تاریخ تاریخ نگاری در اسلام**. ترجمه ی اسدالله آزاد. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

زرکلی. خیرالدین (۱۹۸۶). **الأعلام**. قاموس تراجم. بیروت: بی نا.

سارتون، جورج (۱۳۸۳). **مقدمه ای بر تاریخ علم**. ترجمه ی غلامحسین حیدری. تهران: علمی. سرکیس، یوسف الیان (۱۴۱۰). **معجم المطبوعات العربیه والمغربیه**. قم: افست کتابخانه ی مرعشی.

سروش، عبدالکریم (۱۳۵۸). **فلسفه تاریخ**. بی جا. بی نا.

سزگین، فواد (۱۴۱۲ ق). **تاریخ التراث العربی**. ترجمه به عربی: محمود فهمی حجازی و دیگران. قم: افست کتابخانه ی مرعشی.

شاکر، مصطفی (۱۹۷۹م). **التاریخ العربی و المورخون**. بیروت: دارالعلم للملایین.

شعار، جعفر (۱۳۷۸). **تاریخ بناکتی (روضه اولی الالباب فی معرفه التواریخ والانساب)**. تهران: انجمن آثار مفاخر فرهنگی.

فرهانی منفرد، مهدی (بهار ۱۳۸۲). «**دیدگاه معرفت شناختی و روش شناختی ابن خلدون درباره ی تاریخ**». **فصلنامه تاریخ اسلام**. ش ۱۳.

- فقیهی، علی اصغر (۱۳۷۵). **دانشنامه جهان اسلام**. ذیل مدخل «البدء والتاریخ». ج ۲. تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
- قزوینی، میرزا محمدخان (۱۳۶۳). **یادداشت‌های قزوینی**. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کدکنی، محمدرضا شفیعی (۱۳۸۶). **قلندریه در تاریخ**. تهران: سخن.
- کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ (۱۳۷۶). **تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی**. ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کرلو الفونسونلینو (۱۳۷۷). **تاریخ نجوم اسلامی**. ترجمه‌ی احمد آرام. تهران: مرکز نشر پژوهش‌های اسلامی.
- مسعودی، ابوالحسن (۱۴۷۷). **مروج الذهب ومعادن الجوهر**. بیروت: دارالفکر.
- مقدسی، مطهر بن طاهر (بی تا). **البدء و التاریخ**. بورسعید: مکتبه الثقافه الدینیة.
- _____ (۱۳۷۴). **آفرینش و تاریخ**. ترجمه‌ی محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: نشر آگه.
- وردی، سراج الدین ابوحفص عمر (۱۳۵۸/م ۱۹۳۹). **خریده العجایب و فریده الغرایب**. قاهره: مطبعه مصطفی البابی الحلبی.
- یارشاطر، احسان، بازورث، ادموند و دیگران (۱۳۸۱). **حضور ایران در جهان اسلام**. ترجمه‌ی فریدون مجلسی. تهران: مروارید.
- یاقوت حموی، ابو عبدالله (م ۱۳۹۹/۱۹۷۹). **معجم البلدان**. بیروت: دارصادر.

Adang, Camil (1996). **Muslim writers on Judaism & Hebrew bible from ibn Rabban to ibn Hazm**. e. j. brill Leiden. New York.

Morony, M. (1989). "Al-Badwal Tarikh". **Encyclopedica Iranica**. Vol. III. London and New York.